

بسم الله الرحمن الرحيم

شیوه‌های گفتگوی پیامبران با مخالفان از منظر قرآن کریم

به اتمام: فرشته ایوتوندی^۱

چکیده

مقابله و رویارویی با انبیاء خصوصاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از ابتدا وجود داشته و تاکنون ادامه دارد. مخالفان پیامبر اکرم (ص) گروه‌های مختلفی را تشکیل می‌دادند. لذا می‌بینیم که در طول تاریخ کسانی چون کافران، بت‌پرستان جاه‌طلبان، مشرکان و حتی خیلی از کسانی که دارای دین الهی و کتاب آسمانی چون یهودیت، مسیحیت و... در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله، ایستاده و به طور علنی به مخالفت می‌پردازند که هر کدام مخالفت خود را برای مقاصد و اهداف خود فراهم می‌کردند. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که «شیوه‌های گفتگوی پیامبران با مخالفان از منظر قرآن کریم کدامند؟» این تحقیق بر این فرضیه استوار است که پیامبران علیهم السلام در گفتگو و برخورد با مخالفان خویش از شیوه‌های «مناظره»، «مجادله»، «خطابه» و «مذاکره» استفاده نموده‌اند. روش گردآوری اطلاعات و داده‌های خام این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای بوده است و روش توصیفی-تحلیلی در پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده به کار رفته است. می‌توان گفت: شیوه‌های گفتگوی پیامبران با مخالفان به چند صورت انجام گرفته است که از جمله‌ی این شیوه‌ها که در این تحقیق به آنها پرداخته شد، می‌توان به شیوه‌های «مناظره»، «خطابه»، «مجادله» و «مذاکره» اشاره داشت. هر کدام از این شیوه‌ها، ساختار و ویژگی‌هایی خاص خودشان را دارند، اما در کل می‌توان گفت که بر اساس اینکه گفتگو یک طرفه باشد یا دو طرفه، دو نوع گفتگو در تعریف داشت، در شیوه‌ی «خطابه» گفتگو به صورت یک طرفه است، اما در شیوه‌های «مناظره»، «مجادله» و «مذاکره»، گفتگو به شکل دو طرفه صورت می‌گیرد. و نیز می‌توان بیان داشت که: ویژگی اصلی و متمایز کننده‌ی «مجادله» با دیگر شیوه‌های گفتگو، «غلبه بر خصم یا طرف مقابل از طریق گفتگو» است و در مناظره، دو طرف به دنبال نظر حق و درست می‌باشند، و در مذاکره، دو طرف به دنبال یک توافق در یک مسئله هستند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های گفتگو، پیامبران، قرآن کریم، مناظره، مجادله، خطابه، مذاکره.

^۱ - طلبه‌ی پایه‌ی سوم، حوزه‌ی علمیه‌ی فاطمه‌الزهراء سلام الله علیها کوهدشت.

مقدمه

مقابله و رویارویی با انبیاء خصوصا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از ابتدا وجود داشته و تاکنون ادامه دارد. مخالفان پیامبر اکرم (ص) گروه های مختلفی را تشکیل می دادند. لذا می بینیم که در طول تاریخ کسانی چون کافران، بت پرستان جاه طلبان، مشرکان و حتی خیلی از کسانی که دارای دین الهی و کتاب آسمانی چون یهودیت، مسیحیت و... در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله، ایستاده و به طور علنی به مخالفت می پردازند که هر کدام مخالفات خود را برای مقاصد و اهداف خود فراهم می کردند. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که «شیوه های گفتگو پیامبران با مخالفان از منظر قرآن کریم کدامند؟»

این تحقیق بر این فرضیه استوار است که پیامبران علیهم السلام در گفتگو و برخورد با مخالفان خویش از شیوه های «مناظره»، «مجادله»، «خطابه» و «مذاکره» استفاده نموده اند.

روش گردآوری اطلاعات و داده های خام این تحقیق به صورت کتابخانه ای بوده است و روش توصیفی - تحلیلی در پردازش و تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده به کار رفته است.

با تتبعی در آثار و مطالعات انجام شده درباره ی پیامبران و سیره ی آنان، متوجه شدیم آثار زیادی در موضوع شیوه های گفتگوی پیامبران با مخالفان خود نوشته شده، اما به هر حال این نوشتار بر آن است با نگاهی تحلیل به بررسی این شیوه ها پردازد. از جمله آثاری که در این زمینه نوشته شده است می توان به این موارد اشاره داشت: ۱- مقاله ی «مدارا با مخالفان و مبارزه با معاند در سیره نبوی» نوشته ی آقای «سید قاسم رزاقی موسوی»، ۲- مقاله ی «الگوهای مذاکره در سیره نبوی»، نوشته ی «گوهری مقدم» ۳- مقاله ی «بررسی و تحلیل سیره سیاسی پیامبر (ص) با تاکید بر رفتار با دشمنان»، نوشته ی آقای «حمزه خان بیگی».

مفهوم شناسی

در زیر به معنای لغوی و اصطلاحی برخی مفاهیم کلیدی این تحقیق اشاره شده است:

گفتگو

در لغت به معنای «باهم سخن گفتن»، «مباحثه»، «مجادله» آمده است.^۱ معنای اصطلاحی و معنای لغوی گفتگو باهم فرقی ندارند، اما می توان بیان داشت که: گفتگو یک نوع "ارتباط کلامی" است.

^۱ - ر.ک: دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا؛ عمید، فرهنگ فارسی عمید؛ با کمک از سایت واژه یاب.

درباره‌ی هدف از ارتباط مباحث بسیار زیادی مطرح شده است. ارسطو، هدف از ارتباط را اقناع دیگران گفته است و می‌افزاید برقرار کننده‌ی ارتباط، از هر راه و با هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد، مایل است طرف مقابل ارتباط یا مخاطب خود را تحت تأثیر و نفوذ درآورد و نظر و عقیده‌ی خود را به او بقبولاند.^۱

گفتگو این قابلیت را دارد که افراد را به هم نزدیک یا از هم دور سازد. هنر و توانایی برقراری گفت و شنود، سهم عمده‌ای در پیش بردن ارتباط دارد. البته این بدان معنا نیست که هنگام ارتباط، لزوماً نقش یک سخنور ماهر را ایفا کنیم، اما لازم است این هنر را داشته باشیم تا با گفتگو، احساس همدردی و هم صحبت بودن را به فرد مقابل منتقل سازیم. چنین شیوه‌ای از اخلاق مومن دانسته شده است.^۲

اقسام گفتگو

گفتگو از جهات گوناگونی قابل تقسیم است، اما در این تحقیق از چهار شیوه‌ی «مناظره»، «مجادله»، «خطابه» و «مذاکره» بحث می‌شود، پس از بخش مفهوم‌شناسی، تعریف لغوی و اصطلاحی هر کدام از شیوه‌های مذکور همراه با تحلیل و بررسی آنها آورده می‌شود.

مخالفان

در لغت، از ریشه «خَلَفَ»، اسم فاعل باب مفاعله، به معنای «ضد» و «ناسازگار بودن» و «مغایر بودن با چیزی» است، و در جامعه، به گروهی اطلاق می‌شود که با قدرت حاکم و مردم جامعه، هم اعتقاد نیستند و البته اقدامی برخلاف ندارند، مخالفت آن‌ها در مرحله اعتقاد است و به مرحله عمل در اجتماع نمی‌رسد. به عبارت دیگر، در زندگی اجتماعی موافقت داشته و همه در یک جامعه با قوانین حاکم بر آن، زندگی مسالمت آمیز دارند، اما در نوع تفکر، اندیشه و اعتقادات با هم دارای اختلاف هستند.^۳

اقسام مخالفان

در یک تقسیم بندی کلی، می‌توان مخالفان پیامبر(ص) را به سه دسته تقسیم نمود: ۱. کسانی که منکر خداوند بودند؛ همانند بت پرستان، کفار و مشرکان که با تکذیب و استهزا مخالفت می نمودند. ۲. اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) که با محاجّه و خیانت مخالفت می کردند و قرآن کریم این عده را در کنار مشرکان، دشمن ترین دشمنان نسبت به مسلمانان معرفی نموده است: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا».^۴ ۳. منافقان به ظاهر مسلمان که با فتنه‌انگیزی و سرپیچی از پیامبر، جبهه داخلی علیه

^۱ - ر.ک: محسنیان راد، مهدی، ارتباط شناسی ارتباط انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)، ص ۳۲۸.

^۲ - خطیب؛ سید مهدی، مهارت های زندگی، ص ۵۶.

^۳ - رزاقی موسوی، سیدقاسم، «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، با کمک از: سایت جامعه علوم انسانی.

^۴ - مائده، آیه‌ی ۸۲.

ایشان تشکیل داده بودند. برخورد با هر دسته از مخالفان، بسته به نوع و میزان مخالفت آنان متفاوت بود.^۱

بررسی شیوهی مناظره

مناظره در لغت به معنای «بحث و گفتگو» و «نظر کردن دو نفر باهم در چیزی» است. و در اصطلاح، سخن گفتن و استدلال دو نفر درباره ی چیزی به منظور کشف حقیقت آن می باشد. دهخدا نیز مناظره را به «نظر کردن باهم»، یا «با هم فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی»، معنا می کند. بنابراین در مناظره دو چیز شرط است: اول اینکه مناظره کنندگان، دست کم، دو نفر باشند و دیگری آنکه، قصد آن دو کشف حقیقت باشد. ابن سینا مناظره را از نظر و اعتبار و هدف از آن مباحثه در مورد دو رای مقابل یک دیگر می داند، به گونه ای که هر یک از این دو مناظره کننده، متکفل بیان حق بودن رای و نظر خویش است و مناظره کننده دیگر نیز در این امر به او کمک می کند. و بر طبق این تعریف ها در مناظره تنها دو رای در مقابل یک دیگر هستند و هدف آنها بیان حق بوده و هیچ دشمنی و برتری جویی نسبت به یک دیگر ندارند. و در صورت روشن شدن حق، بر آن گردن می نهند و اینکه در اینجا هم فرق جدل با مناظره روشن می شود چرا که در جدل، هر یک از دو طرف اثبات نظر خود و غلبه بر دیگری است؛ یعنی در جدل تنها کشف حقیقت هدف نیست، بلکه هدف قبولاندن و اثبات نظر خویش برای غلبه بر پیروزی دیگری است. بنابر این مناظره غیر از جدل است؛ و در نتیجه مناظره، به معنای نظر کردن و بحث و گفتگو با هم در امری برای کشف حقیقت آن است و این غیر از جدل است که هدف آن، غلبه بر دیگری است؛ ولی چون معمولاً در مناظره از این هدف غفلت شده، از مغالطه و دلیل باطل در آن استفاده می شود، به آن جدل و مجادله نیز می گویند.^۲

مناظره پیامبر و عبدالله بن ابی امیه

در "تفسیر یک جلدی مبین"، در تفسیر آیه ی ۷ و ۸ سوره ی فرقان، آمده است: «روزی پیامبر (ص) کنار خانه خدا نشسته بود، عبدالله بن ابی به او گفت: ای محمد! تو ادعای بزرگی داری و سخنان بزرگی می گویی! تو می پنداری که فرستاده پروردگار عالمیانی، اما شایسته نیست که خالق عالم رسولی مثل تو که انسانی مانند ما هستی داشته باشی، تو مانند ما غذا می خوری و در بازارها راه می روی. پیامبر (ص) عرضه داشت: بارالها! تو آگاهی که بندگان چه می گویند. این آیات نازل شد و به آنها پاسخ داد. همه سخنان آنها خلاصه می شود در اینکه پیامبر باید فرشته باشد نه بشر، یا باید فرشته ای همراه او قرار داده می شد که انذار و انگهی چرا صاحب گنج و باغ نیست؟! پس حالا که این شرایط را ندارد، پس جادویش کرده اند! اگر

^۱ - رزاقی موسوی، سیدقاسم، «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، با کمک از: سایت جامعه علوم انسانی.

^۲ - ر.ک: داودی محمد و سید علی حسینی زاده، سیره ی تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، صص ۳۲۲-۳۳۲.

پیامبر (ص) از جنس فرشته بود بهانه دیگری می آوردند و می گفتند: اگر او ما را به عفت دعوت می کند چون فرشته است و از طوفان غریزه جنسی خبر ندارد. اگر ما را به جهاد می خواند برای این است که تلخی زخم و گرسنگی را درک نمی کند. البته این حرف درستی بود و به همین دلیل است که خداوند پیامبران را از جنس بشر قرار داد تا با عمل کردن به فرامین خود بتوانند دیگران را به عمل دعوت کنند.^۱

مناظره حضرت ابراهیم علیه السلام با بت پرستان^۲

در این گفتگو دیدگاه تلفیقی وجود دارد که در بردارنده اختلاف نظر گفتمان توحیدی حضرت ابراهیم (ع) با گفتمان شرک و بت پرستی است. هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) گفت: "این مجسمه های رومی که شما همواره پرستش می کنید چیست؟" بت پرستان هم متقابلاً دیدگاه شرک آلوده خود را بیان کرده اند. در مرحله استدلالی، مشرکان با طرح استدلالی مبتنی بر مقایسه، مبنی بر اینکه پدرانشان را مشاهده کرده اند بت پرست شده اند. و حضرت ابراهیم علیه السلام با تاکید بسیار زیاد گفت: "مسلماناً هم شما و هم پدرانتان در گمراهی آشکار بوده اید." و به آنها نشان می دهد که این بت ها حتی نمی توانند سخن بگویند، حتی بزرگان آنها هم سخن نمی گویند. طرح استدلالی دیگر که آن حضرت بکار می برد، طرح استدلالی علی است. آیه ۶۶ دارتی این طرح استدلالی است: "آیا جز خدا چیزی را می پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد و نه زبانی می رساند؟" و اگر لجاجت و تعصب آنها نمی بود، استدلال های ابراهیم (ع) را پذیرفته بودند در آیه ۶۴ و ۶۵ اشاره می کند که آنها به وجدان خود بازگشتند و گفتند "حقا که شما ستمگرید"؛ ولی با فراموشی وجدان خود خواهان به آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع) شدند.^۳

بررسی شیوهی خطابه

خطابه به معنای کلامی است که بین دو نفر رد و بدل می شود و در اصطلاح خطابه از صناعات خمس به شمار می رود که در آن با سخن گفتن در برابر دیگران، می توان آنان را اقناع کرد. خطابه از صناعات دیگر (برهان، جدل، سفسطه و شعر) نافدتر و موثرتر می باشد. به گفته ی ارسطو خطابه به صناعاتی است که با توجه به آن بتوان در هر امری از امور جزئی دیگران را در حد امکان اقناع نمود. خطابه بیشتر برای عموم مردم به کار می رود و این به دلیل موادی است که در آن به کار رفته است. مواد خطابه عبارتند از: مظنونات، مقبولات و مشهورات که مردم بیشتر به این ها عادت کرده اند، تا برهان و استدلال. بیشتر مردم قدرت و

^۱ - بهرامپور، ابوالفضل، «تفسیر یک جلدی مبین»، ص ۳۶۰.

^۲ - انبیاء، ۵۱ - ۷۰.

^۳ - ر.ک. حسن پور دهنوی، ارسلان و گیتی تاکی و صاحبعلی اکبری، بررسی مناظرات حضرت ابراهیم در قرآن از منظر رویکرد پرگما-دیالکتیک، دو ماهنامه ی علمی پژوهشی جستارهای زبانی، ۹۵، ش ۶ (پیاپی ۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۲۴۱-۲۶۵. با کمک از سایت پرتال جامع علوم انسانی.

بهترین راه برای رسیدن به این هدف همین شیوه قرآنی است. حتی بسیار می‌شود که انسان اگر سخن حق را به صورتی منعکس کند که طرف مقابل آن را فکر خود بداند نه فکر گوینده، زودتر انعطاف نشان می‌دهد چرا که انسان به افکار خود همچون فرزندان خود علاقه مند است.^۱

در کتاب "تفسیر نفیس"، در تفسیر آیه‌ی ۱۲۵ سوره‌ی نحل آمده است: «از این سه قید یعنی "حکمت" و "موعظه" و "مجادله" همه مربوط به طرز سخن گفتن است، شکی نیست. رسول گرامی مأمور شده که به یکی از این سه طریق دعوت کند که هر یک برای دعوت، طریقی مخصوص است، هر چند که جدال به معنای اخص، دعوت به شمار نمی‌رود. اما معنی "حکمت" به طوری که در مفردات آمده - به معنای اصابه حق و رسیدن به آن به وسیله علم و عقل است. اما "موعظه" به طوری که از خلیل حکایت شده به این معنا تفسیر شده که کارهای نیک طوری یاد آوری شود که قلب شنونده از شنیدن آن بیان، رقت پیدا کند، و در نتیجه تسلیم گردد. اما "جدال" به طوری که در مفردات آمده عبارت از سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه جویی است. دقت در این معانی این را بدست می‌دهد که مراد از "حکمت" حجتی است که حق را نتیجه دهد آن هم طوری نتیجه دهد که هیچ شک و وهن و ابهامی در آن نماند. موعظه عبارت از بیانی است که شنونده را نرم، و قلبش را به دقت در آورد، و آن بیانی خواهد بود که آنچه مایه صلاح حال شنونده است از مطالب عبرت آور که آثار پسندیده و ثنای جمیل دیگر آن را در پی دارد دارا باشد. "جدال" عبارت است از دلیلی که صرفاً برای منصرف نمودن خصم از آنچه که بر سر نزاع می‌کند به کار برود، بدون اینکه خاصیت روشننگری حق را داشته باشد. بلکه عبارت است از اینکه آنچه را که خصم خودش به تنهایی و یا او و همه مردم قبول دارند، بگیریم و با همان ادعایش را رد کنیم. بنابراین این سه طریقی که خدای متعال برای دعوت بیان کرده با همان سه طریق منطقی، یعنی برهان و خطابه و جدل منطبق می‌شود.»^۲

بررسی شیوهی مذاکره

در لغت به معنای «گفتگو کردن در امری و کاری»، آمده است.^۳ مذاکره، گفتگویی میان دو یا چند فرد یا گروه است که با هدف دستیابی به یک درک مشترک، رفع نقاط اختلاف، یا رسیدن به منفعتی در نتیجه‌ی آن گفتگو، ایجاد توافق در خصوص دوره‌های اقدام، چانه‌زنی برای منفعت گروهی یا جمعی، یا حصول نتیجه‌ای رضایتبخش برای منفعت تمامی افراد یا گروه‌های درگیر در فرایند مذاکره، انجام می‌شود.^۴

اندیشمندان علوم سیاسی بر مبنای جهان بینی و مکتب فکری خود تعاریف گوناگونی را مذاکره و انعقاد

^۱ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، صص ۲۹۸-۲۹۹.

^۲ - طباطبایی نسب، سیدمحمد رضا، تفسیر نفیس، صص ۵۶۰-۵۶۱.

^۳ - ر.ک: دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی معین؛ با کمک از سایت واژه‌یاب.

^۴ - سایت ویکی پدیا، مذاکره، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۴/۱.

با واحد های سیاسی ارائه داده اند، در این مطالب تعریف شده رویکردی هایی جامع و کاربردی است که به آن می پردازیم:^۱

- الف) رویکرد سکولار منفعت طلبانه: افتراق مذاکره از منظر غرب و اسلام که در اهدوفشان به کا گرفته اند برای سرانجام مطلوب است. در گفتمان غربی چیزی جز حداکثری منافع مادی چیز دیگری نمی بینند و از هر وسیله ی مشروع و نامشروعی که جلب منفعت کنند استفاده می کنند و اصول این مکتب مادی گراست تا باعث شود اخلاقیات در روابط بین الملل ظهور نکند.
- ب) رویکرد شریعت مدار ارزش محور: از منظر اسلامی، مجموعه جهت گیری های سیاسی اند که باید صیغه الهی داشته باشند و اهداف و وسایل آن به گونه ای تعریف شود که مقید به قیود شرعی شود. در غیر این صورت شارع مقدس کاربست آن را تحریم می کند. با این رویکرد، نگرش به مذاکره اسلامی تفاوت های بنیادینی با شیوه برداشتی دارد که در غرب رایج است، هر چند غایت های آنها از نظر ساختار با هم شباهت داشته باشند. از منظر اسلام ابزارهای باید در بهره گیری واقع بشوند که با اخلاق انسانی سازگار باشند و منظومه ارتباطی میان اخلاق و دیپلماسی باید مورد مذاقه اساسی قرار گیرد. به گونه ای که سیره سیاسی نبی مکرم اسلام(ص) در تعاملات و مراوده هوب سیاسی، بهره گیری از روش ها و ابزارهای غیر اخلاقی را نفی کرده و اینکه همخوانی با وسایل و ابزارهای با اهداف، تاکید نموده اند.

مذاکره ی پیامبر صلی الله علیه و آله با کفار در صلح حدیبیه

صلح حدیبیه، پیمان صلحی که در سال ششم هجری بین پیامبر (ص) و مشرکان مکه در منطقه حدیبیه امضا شد و درسوره فتح به آن اشاره شده است. مسلمانان که برای به جا آوردن مناسک حج رهسپار مکه شده بودند با ممانعت مشرکین قریش مواجه شدند، پیامبر(ص) تصمیم گرفت شخصی را به سوی قریش بفرستد تا مذاکره کند، ابتدا عمر بن خطاب را برگزید. ولی وی از رفتن ابا کرده و عثمان را پیشنهاد کرد، پس از عزیمت عثمان و شایعه خبر قتل وی، پیامبر(ص) مسلمانان را به پیمانی معروف به بیعت رضوان فراخواند. پس از مذاکراتی بین طرفین، سرانجام پیمان صلح حدیبیه بسته شد که بر اساس آن صلحی ده ساله بین طرفین برقرار شد و مسلمانان آن سال به مدینه بازگشتند تا سال بعد برای انجام عمره وارد مکه شوند.^۲

^۱ - ر.ک: گوهری مقدم، ابوذر و حامد کیانی مجاهد، الگوی مذاکره در سیره نبوی، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم شماره اول (پیاپی ۲۹) بهار و تابستان ۱۳۹۸. صص ۲۱۷ تا ۲۴۲. با کمک از سایت نشریه علمی دانش سیاسی.

^۲ - ویکی شیعه، صلح حدیبیه، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۳/۲۹.

در آیه یکم سوره‌ی فتح به صلح حدیبیه پرداخته شده است، «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»^۱؛ همانطور که تاریخ نشان می‌دهد، منظور از فتح مبین، صلح حدیبیه می‌باشد. زمان بین این صلح و فتح مکه دو سال بود. در این مدت در سایه این صلح، گروهی که اسلام آوردند، خیلی بیشتر از دوران چندین ساله رسالت پیامبر اکرم بوده است.^۲

جمع بندی و نتیجه‌گیری

می‌توان گفت: شیوه‌های گفتگوی پیامبران با مخالفان به چند صورت انجام گرفته است که از جمله‌ی این شیوه‌ها که در این تحقیق به آنها پرداخته شد، می‌توان به شیوه‌های «مناظره»، «خطابه»، «مجادله» و «مذاکره» اشاره داشت. هر کدام از این شیوه‌ها، ساختار و ویژگی‌هایی خاص خودشان را دارند، اما در کل می‌توان گفت که بر اساس اینکه گفتگو یک طرفه باشد یا دو طرفه، می‌توان دو نوع گفتگو در تعریف داشت، در شیوه‌ی «خطابه» گفتگو به صورت یک طرفه است، اما در شیوه‌های «مناظره»، «مجادله» و «مذاکره»، گفتگو به شکل دو طرفه صورت می‌گیرد.

و نیز می‌توان بیان داشت که: ویژگی اصلی و متمایز کننده‌ی «مجادله» با دیگر شیوه‌های گفتگو، «غلبه بر خصم یا طرف مقابل از طریق گفتگو» است و در مناظره، دو طرف به دنبال نظر حق و درست می‌باشند، و در مذاکره، دو طرف به دنبال یک توافق در یک مسئله هستند. و نکته‌ای که در اینجا فهمیده می‌شود این است که دو معنا می‌توان برای جدال تعریف نمود:

- جدل به معنای عام، و آن معنایی است که در ذهن عموم مردم مرتکز است به این توضیح که شخص با طرف مقابل به مجادله می‌پردازد و به هر طریق متوسل می‌شود که بر او غلبه کند و هدف از این غلبه، می‌تواند هر هدفی باشد، مثل حس پیروزمندی و مانند آن.
- جدل به معنای خاص، که در ترجمان مفاهیم قرآن با عنوان "جدال احسن" آورده می‌شود و جدال احسن روش و شیوه‌ای است که پیامبران و اولیای الهی آن را در پیش می‌گیرند، در این نوع از جدل، شخص با طرف مقابل خود به جدل می‌پردازد و هدف از این جدل غلبه کردن بر او است، ولی هدف از این غلبه پیدا کردن، هدایت کردن شخص طرف مقابل است.

^۱ - فتح، آیه‌ی ۱.

^۲ - بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر المبین تفسیر یک جلدی قرآن کریم، ص ۵۱۱.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر المبین تفسیر یک جلدی قرآن کریم، قم: آوای قرآن، ۱۴۰۰، چاپ نهم.
۳. حسن پور دهنوی، ارسلان و گیتی تاکی و صاحبعلی اکبری، بررسی مناظرات حضرت ابراهیم در قرآن از منظر رویکرد پرگما-دیالکتیک، دو ماهنامه‌ی علمی پژوهشی جستارهای زبانی، ۹، ش ۶ (پیاپی ۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۲۴۱-۲۶۵. با کمک از سایت پرتال جامع علوم انسانی.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (مدظله العالی)، انسان ۲۵۰ ساله، گردآوری و تنظیم: مرکز صهبا، چاپ: خاتم نو، چاپ بیستم، ۱۳۹۲، چاپ بیستم.
۵. خطیب؛ سید مهدی، مهارت های زندگی، قم، مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۸، چاپ چهارم.
۶. داودی محمد و سید علی حسینی زاده، سیره‌ی تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۷، چاپ دهم.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا؛ با کمک از سایت واژه‌یاب.
۸. رزاقی موسوی، سیدقاسم، «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، با کمک از: سایت جامعه علوم انسانی.
۹. سایت ویکی پدیا، مذاکره، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۴/۱.
۱۰. سایت ویکی شیعه، صلح حدیبیه، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۳/۲۹.
۱۱. طباطبایی نسب، سیدمحمد رضا، تفسیر نفیس، جلد هفتم، ناشر: موسسه‌ی فرهنگی نورالائمه (ع)، ۱۳۹۳، چاپ اول.
۱۲. عمید، فرهنگ فارسی عمید؛ با کمک از سایت واژه‌یاب.
۱۳. فهیمی، اکبر، شیوه‌های پیامبر اعظم در دعوت به اسلام، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۱۴. گوهری مقدم، ابوذر و حامد کیانی مجاهد، الگوی مذاکره در سیره نبوی، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم شماره اول (پیاپی ۲۹) بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۱۷ تا ۲۴۲. با کمک از سایت نشریه علمی دانش سیاسی.
۱۵. محسنیان راد، مهدی، ارتباط شناسی ارتباط انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۰، چاپ چهارم.

۱۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین؛ با کمک از سایت واژه‌یاب.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ش، چاپ چهاردهم.
۱۸. یوسفی سوتنه، جزوه منطق ۳ (تلخیص المنطق مرحوم مظفر (ره)). با کمک از سایت: کوثر بلاگ، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۳/۲۹.